

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فعالین چریکهای فدائی خلق ایران- تورنتو

۰۱.۰۷.۱۰

جلسات جی-۸ و جی-۲۰ در تورنتو، بهانه ای برای پولیسی کردن جامعه کانادا و سلب آزادی های دموکراتیک از مردم این کشور!

همانگونه که در گزارشهای قبلی فعالین چریکهای فدائی خلق اشاره شده بود، از روز چهارشنبه ۲۳ تا ۲۷ جون رؤسای جمهور و نخست وزیران ثروتمندترین کشورهای جهان در استان اونتاریو (کانادا) پشت درهای بسته و دیوارهای امنیتی یک میلیارد دلاری در دو جلسه معروف به جی-۸ و جی-۲۰ شرکت نمودند تا برای مقابله با بحرانی که سر تا پای نظام سرمایه داری را فراگرفته چاره اندیشی کنند و طبق معمول بار هر چه بیشتری از این بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان جهان سرشکن کنند. جهت محافظت از این جلسه ها، دولت کانادا بیش از ۷۰۰۰ پولیس ویژه و مأمورین سازمان جاسوسی (سیس) و پولیس سواره کانادا (سوار بر اسب یا دوچرخه) مجهز به گاز اشک آور، اسپری فلفل و تفنگ های مخصوص شلیک گلوله های پلاستیکی را بسیج نموده بود تا با یورش وحشیانه به حقوق دموکراتیک شهروندان این کشور، اعتراضات به حق مردم را سرکوب و شهر تورنتو را "امن" نمایند.

این اولین باری است که این جلسه ها پشت سر هم و در یک کشور برگزار میشوند. در ابتداء نشست جی-۸ در شهر تفریحی "هانتزویل" در شمال شهر تورنتو، و سپس نشست جی-۲۰ در مرکز شهر تورنتو برگزار شد. تعداد شرکت کنندگان و همراهان آن ها در این نشست ها بیش از هزار نفر بود.

تورنتو که بزرگترین شهر و مرکز مالی کانادا تلقی می شود، از هفته ها قبل از شروع این جلسه ها شاهد بزرگترین و پرخرج ترین تدارکات امنیتی (یک میلیارد دلاری) در تاریخ این کشور (و شاید بتوان گفت در تاریخ جهان) بود. دولت محافظه کار کانادا (به نخست وزیری "استفان هارپر") چند روز پیش از شروع جلسه اعلام کرد که مخارج تخمینی تدارکات امنیتی این جلسه ها ۹۳۰ میلیون دلار است. اما پس از انجام جلسه ها اعلام شد که بیش از ۱/۲ میلیارد دلار برای حفاظت سیاستمداران از گزند اعتراضات مردم مصرف شده است. با مقایسه این رقم با آمار دیگر مربوط به رویداد های پر اهمیت میتوان به حجم بیش از حد مخارج امنیتی جی-۸ تورنتو و تلاش بی سابقه دولت کانادا برای سرکوب آزادی های مردم پی برد. به عنوان مثال مخارج نشست جی-۲۰ در ماه اپریل ۲۰۰۹ در انگلستان ۳۰ میلیون دلار، و هزینه حفظ امنیت جلسه پیتزبرگ (پنسیلوانیا- آمریکا) در سال گذشته حدود ۱۸ میلیون دلار بود.

عملکرد دولت و پولیس کانادا از اولین روزهای ماه جون نشان داد که دولت کانادا قصد دارد از نشست جی-۸ و جی-۲۰ به عنوان فرصتی برای محدود کردن آزادی های دموکراتیک شهروندان کانادا و بهانه ای برای افزایش کنترل پولیس بر جامعه استفاده کند. عملکرد پولیس در روزهای نشست نیز این واقعیت را اثبات کرد. از دو هفته پیش از شروع نشست ها هزاران نفر از نیروهای پولیس فدرال، پولیس ایالتی آنتاریو، نیروهای ضد شورش، نیروهای ویژه ارتش، و همین طور نیروهای سازمان اطلاعات و امنیت کانادا (سیس) در شهر تورنتو مستقر شدند. علاوه بر نیروهای دولتی، اماکن متعلق به سرمایه داران بزرگ در مرکز شهر توسط هزاران پولیس لباس شخصی (متعلق به شرکتهای امنیتی خصوصی) و کارآگاه های خصوصی نیز حفاظت می شد. پولیس علناً اعلام کرد که نیرو های لباس شخصی خود را همراه با نیروهای "سیس" در خیابان های شهر تورنتو به جمع آوری اطلاعات (بخوان جاسوسی علیه مردم) و تدارکات امنیتی گمارده است. حدس بسیار قوی وجود دارد که بسیاری از تلفن های شهر نیز تحت کنترل "سیس" قرار داشتند (برخی مدعی هستند که تلفن ها هم اکنون نیز در جریان گسترش دستگیری ها هم چنان تحت کنترل می باشند).

چند هفته پیش از شروع نشست ها، چندین راننده کامیون افساء کردند که پولیس از آن ها خواسته که نقش جاسوس را علیه سازماندندگان تظاهرات جی-۲۰ بازی کنند اما آن ها از انجام این کار خودداری کرده اند. تمام مرکز شهر تورنتو از چندین هفته قبل از شروع نشست ها به شکل یک شهر محاصره شده نظامی درآمد. خیابان های اطراف محل نشست در مرکز شهر تورنتو با زرده ها و سیم های خاردار چند لایه ای (به طول بیش از ۶ کیلومتر) مسدود شد و گشت های پولیس تا شعاع یک کیلومتری اطراف آن را دایماً تحت کنترل داشتند. پولیس این منطقه محصور شده را "منطقه سرخ امنیتی" خواند و در داخل آن نیز بازداشتگاهی موقت برای زندانی کردن تظاهر کنندگان دستگیر شده ساخت. ۷۷ دوربین تازه خریداری شده در خیابانهای اطراف "منطقه سرخ" نصب شد و چندین دستگاه صوتی ضد شورش نیز توسط پولیس تورنتو خریداری شد و نیروهای پولیس به گوشی های حفاظتی مجهز شدند. گفته میشود صدائی که از این دستگاه ها پخش میشود صدماتی غیر قابل جبران به انسان وارد میکند.

روی پشت بام ساختمان های بلند، من جمله سفارت آمریکا چندین تک تیرانداز مجهز به سلاح های پیشرفته گمارده شدند. کشتی و نیرو های نیروی دریائی کانادا نیز در دریاچه انتاریو در جنوب شهر تورنتو مستقر شده و به حال آماده باش درآمدند.

از چند هفته قبل برای ساکنین مرکز شهر تورنتو کارت های شناسائی مخصوص صادر شد که باید آن ها را در حین عبور و مرور در مرکز شهر با خود حمل می کردند.

هر روز پولیس ویژه با سگ های تعلیم دیده شان در خیابانهای اصلی و فرعی شهر در حال تردد بودند. خلاصه آن که تمامی این اقدامات "پیشگیرانه" و در واقع سرکوبگرانه، پیش از هر چیز شدت هراس سرمایه داران مفت خور و استثمارگر و دولت های کارگزار آن ها را از توده های معترض نشان می داد.

ترس پولیس سرمایه از شدت نفرت توده ها چنان بود که در کمال ناباوری عمومی، از چند روز پیش از شروع نشست ها، حتی درختچه های کنار خیابان ها ریشه کن شدند، جعبه های فروش روزنامه، گلدان های تزئینی بزرگ جلوی آپارتمان ها، زرده های مخصوص دوچرخه [بایسکل] و سطل های آشغال کنار خیابان ها (در مرکز شهر) جمع آوری شدند. پولیس قفل دوچرخه هائی را که به زرده های مخصوص دوچرخه بسته شده بودند، می شکست و آن ها را می برد (در واقع می دزدید) و برای توجیه این عمل ادعا شد که این دوچرخه ها را تظاهر کنندگان در

خیابان ها کار گذاشته اند که در روزهای تظاهرات از آنها به عنوان سلاحی علیه پولیس و یا برای شکستن شیشه های مغازه ها استفاده کنند! فیلمی نیز از صحنه برداشتن یکی از این دوچرخه ها توسط پولیس از تلویزیون ها پخش شد که در آن دوچرخه ای نشان داده میشد که زنجیر نداشت و قابل استفاده نبود. این طور ادعا شد که تظاهر کنندگان با برنامه ریزی قبلی دوچرخه های خراب و بی مصرف را در خیابان ها گذاشته اند که در روزهای تظاهرات از آنها به شکل سلاح علیه پولیس استفاده کنند.

در روزهای برگزاری نشست ها ناگهان تعداد پولیس در خیابان ها چندین برابر شد. در همه تقاطع های اصلی مرکز شهر پولیس ضد شورش مسلح پیاده و یا سوار بر اسب و دوچرخه مستقر شدند.

در هفته پیش از شروع نشست ها چندین تظاهرات کوچک مسالمت آمیز توسط برخی از نیروها و سازمان های محلی انجام شد. اما پولیس با آن ها برخوردی خشونت آمیز کرد. پولیس که نمی توانست در ملأ عام در خیابان های شلوغ در روزهای هفته به این تظاهرات کوچک و مسالمت آمیز حمله کند، در شب جمعه ۲۵ جون، بدون داشتن اجازه بازداشت به خانه چند تن از این تظاهر کنندگان ریخت و آن ها را از رختخواب بیرون کشیده و دستگیر کرد.

پولیس که می دانست با وجود مردم در خیابان ها و احتمال حمایت آن ها از تظاهر کنندگان، نمی تواند تظاهرات را خوب کنترل کند، برای خالی کردن شهر از مردم در روزهای شنبه و یکشنبه به ترندهای مختلف و از جمله پخش شایعه حضور تروریست ها در شهر، دست زد. این کار به دلایل مختلف صورت گرفت. یک دلیل عمده جو سازی علیه تظاهر کنندگان و ایزوله کردن آنان و در نتیجه آسان تر کردن سرکوب آن ها بود. پولیس برای رسیدن به این هدف وانمود می کرد که اطلاعاتی به آن ها رسیده که تعدادی "خرابکار و تروریست" قصد رخنه در تظاهرات را دارند. قصد دیگر پولیس از این کار ترساندن مردم از تظاهرات و تظاهر کنندگان بود. از روز پنجشنبه ۲۴ جون همه ادارات دولتی و اکثر ادارات غیر دولتی در مرکز شهر تورنتو تعطیل شدند. مرتباً از طریق رسانه ها اعلام می شد که عملیات امنیتی و "ضد تروریستی" پولیس در جریان است و مردم باید از رفت و آمدهای غیر ضروری در مرکز شهر تورنتو خودداری کنند. تابلوهای الکترونیکی تبلیغاتی اتوبان های منتهی به مرکز شهر که معمولاً برای رساندن پیام های مربوط به مقررات رانندگی (مانند ضرورت بستن کمربند و عدم نوشیدن مشروب های الکلی و عدم استفاده از تلفن دستی در هنگام رانندگی) مورد استفاده قرار می گیرند، از یک هفته پیش از شروع نشست ها به ابزاری برای ایجاد ترس و وحشت (از تظاهر کنندگان) در میان مردم تبدیل شدند. در این تابلو ها تذکر داده می شد که حوادث بزرگی در شرف وقوع است و مردم باید از رفت و آمد غیر ضروری به مرکز شهر خودداری کنند.

رادیو و تلویزیون مرتباً با نشان دادن خانواده های شاد و سر حالی که در حال ترک شهر و رفتن به بیلاق و گردش و تفریح بودند، مردم را تشویق به تخلیه شهر می کرد. برخی از ساکنان مرکز شهر نیز برای یک هفته آذوقه ذخیره کرده و از خانه خارج نشدند.

در نتیجه پولیس عملاً با استفاده از تمام حربه های روانی و ترساندن مردم توانست مرکز شهر را تا حدی تخلیه و صحنه را برای سرکوب تظاهر کنندگان آماده کند. سرکوب های وحشیانه و دستگیری های کور و گسترده ای که در روز شنبه و یکشنبه به وقوع پیوست نشان دهنده این واقعیت است.

طبق آمار دولت در سه روز تظاهرات بیش از ۶۰۰ نفر دستگیر شدند. بسیاری از دستگیری ها در منطقه ای که پولیس آن را به عنوان "منطقه آزادی بیان" مشخص کرده بود، انجام شدند. این موضوع معنای واقعی "آزادی بیان" از نظر طبقه سرمایه دار و دستگاه دولتی حامی آن را به مردم نشان داد. دستگیر شده ها در زندان موقتی در زمین یک استودیوی فیلم سازی نگه داری می شدند.

در تظاهرات روز شنبه بسیاری از تظاهر کنندگان که هیچ حرکت غیر عادی در رفتارشان دیده نمی شد، مورد ضرب و شتم پولیس قرار گرفتند.

پولیس در حملات وحشیانه خود (به خصوص در شنبه شب و در روز یکشنبه) هر کسی را که دستش می رسید، از مردم عادی و تظاهر کنندگان گرفته تا توریست ها و گدا ها و معتاد های سرگردان در شهر و خبرنگاران را دستگیر می کرد. در روز جمعه فرد کر و لالی را دستگیر کردند که کنار تظاهرات قدم میزد و اخطار پولیس را نشنید. پولیس او را در همان خیابان زیر مشتم و لگد گرفت و تنها پس از مداخله تظاهر کنندگان، پولیس متوجه شد که کر و لالی را به جای یک "تروریست" گرفته است!

زن خبرنگاری به نام "ایمی میلر" که در روز یکشنبه دستگیر شده بود امروز پس از آزاد شدن از زندان، در رادیو اعلام کرد که پولیس با او رفتار بسیار بدی داشته و او را شدیداً کتک زده اند. او می گفت که چند پولیس در موقع دستگیری او را تهدید به تجاوز جنسی کردند و به او گفتند "انقدر دسته جمعی به تو تجاوز می کنیم که دیگر نتوانی با تظاهر به خبرنگار بودن به تظاهرات ضد دولتی بروی."

خبرنگار دیگری به نام "مک کایزک" می گفت که "در هنگام دستگیری با اینکه خطاب به پولیس فریاد میزدم که نزنید. من خبرنگار هستم، قلبم را عمل کرده ام، دستگاه تنظیم ضربان قلب دارم. با این حال آن ها به کتک زدن من ادامه می دادند. یکی از پولیس ها بلوزم را بالا زد و چون که جای عمل را روی سینه ام ندید، من را به دروغ گوئی متهم کرده و شروع کردند به محکمر و بیشتر زدن."

پولیس از حوادثی مانند بمب گذاری در ماه مه گذشته در یکی از شعب بانک "رویال بانک" در شهر "اتاوا" (که به دنبال درگیری میان سرخپوست ها و دولت رخ داد) به عنوان بهانه ای برای افزایش بودجه پولیس و دیگر نیروهای انتظامی و نظامی در سرکوب آزادی های دموکراتیک مردم کانادا استفاده کرد. سخنان "تونی کلمنت" وزیر صنایع کانادا که گفته بود "تا قبل از بمب گذاری رویال بانک در اتاوا، مردم به افزایش بودجه پولیس اعتراض داشتند. اما حالا دیگر ما را سؤال پیچ نمی کنند" این واقعیت را به روشنی ثابت میکند. بر اساس چنین واقعیاتی است که برخی از مردم مدعی اند که آن بمب گذاری هم کار خود پولیس بوده است.

در روز شنبه موضع گیری راست اتحادیه CLC که کاملاً به نفع پولیس و علیه مردم بود منتشر شد و ماهیت و خصلت ضد مردمی این گونه اتحادیه های زرد مشخص شد. CLC بدون محکوم کردن خشونت های پولیس، با لحنی نوکر صفتانه در اطلاعیه خود نوشت که از دستورات قانونی دولت و پولیس پیروی کرده اما "آناشیسست ها" به خرابکاری پرداختند.

خلاف موضع گیری ضد مردمی اتحادیه CLC، خشونت هائی را که در جریان تظاهرات رخ داد باید در چهارچوب واقعیات موجود در جامعه کانادا بررسی کرد و آن را عکس العمل طبیعی و به حق توده ها در مقابله با شرایط ظالمانه ای دید که سرمایه داران شکل داده اند. همچنین این امر را هم باید در نظر داشت که تجربه نشان داده که پولیس کانادا همیشه در تظاهرات رخنه کرده و توسط جاسوسان خود به خرابکاری دست می زند که بتواند تظاهر کنندگان را "خرابکار و آناشیسست" نامیده و به این بهانه به دستگیری های گسترده دست بزند. حتی خود پولیس کانادا نیز به دلیل وجود شواهد زیادی در این رابطه نتوانسته و اقیبت وجود جاسوسان پولیس در میان تظاهر کنندگان و نقش آن ها در تحریک تظاهر کنندگان را کتمان کند. هر گاه که در این مورد از پولیس کانادا سؤال شده با این جواب که "پولیس تاکتیک هایش را علنی نمی کند" غیرمستقیم وجود جاسوسان را تأیید کرده اند.

بنابراین، رویدادهای چند روز اخیر در تورنتو نشان داد که خرابکاران واقعی نیروهای جاسوس پولیس هستند نه آن طور که دولت و پولیس و اتحادیه CLC ادعا میکنند، تظاهر کنندگان. واقعیت این است که مسؤلیت هر نوع خشونتی که در تظاهرات سه روزه تورنتو رخ داد تنها به گردن پولیس و دولت است.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- تورنتو

دوشنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۱۰